



آیت الله کاشانی

مجاهدی همیشه در صحنه

۲۳ اسفند سالروز درگذشت آیت الله کاشانی است. مردی که سخن گفتن از او بدون در نظر گرفتن پیشداوری‌ها و تاریخ نگاریهای غرض آلود گذشته بسیار دشوار می‌باشد. مردی که زحمات بی شماری را در جریان انقلاب اسلامی عراق و وجه ملی شدن صنعت نفت توسط تبلیغات سوء بیگانگان از صفحات تاریخ و ذهن مردمان محو گردیده و زندگیش دگرگون جلوه داده شده است. این تحریف تاریخی بلاشک در اندیشه هرجوحدان بی طرفی که کاشانی با تاریخ ایران دارد. دست کم این دشمنان را باید محاسبه کرد که روحانی که در طول تاریخ ایران در راه در ایران نقش بسزایی در مضایق حساس آن به عهده داشته، چگونه است که در مطلع حساسی مانند ملی شدن صنعت نفت و جلوه پد انگلیس نقشی نداشته و با بولایی دیگر چگونه است که خط همیشه سرخ مبارزه اسلام در این مطلع حساس گور می‌شود و تاریکی و انزوا فراموشی رود بدین سبب بر آن انزویه به مذمت سائروز در گذشت آیت الله کاشانی تاریخچه آن و هر چند اجتنابی و مختصر از زندگی ایشان تهیه و منتشر نمایم. با آنکه و ایران به این مسئله که با توجه به محدودیت صفحات مجله اجزای ذکر نکات بسیاری از تاریخ نهضت ملی و دوران

حساس ضعف و فتور در صفوف ملت و عاملان واقعی آن می‌انیم. حضرت آیت الله حاج ابوالقاسم کاشانی هر سال ۱۳۰۰ هـ ق متولد شد و تا سن ۱۶ سالگی در خدمت پدر بزرگوار خود مرحوم آیت الله محمد تقی کاشانی با اصول و تربیت اسلامی آشنا شد. سپس در محضر والده معظمه خود و آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و میرزا حسین و حاج میرزا خلیل به تلمذ سایر علوم دینی پرداخت. وی در سن ۲۵ سالگی در نجف بدرجه اجتهاد رسید. به مدت هشت سال در نجف و در دوره مرجعیت در امور علمی و تربیتی و قضایی و فقهی مسلمانین عراق واقع گردید. در سال ۱۳۲۲ هجری در جنگ بین اثنالی هنگامی که انگلیسها با نیروی جنگی اقتصاد تسلط بر عراق و مناطق شرقی منطقه حمله ور گردیدند. آیت الله کاشانی در خدمت پدر بزرگوار خویش و جمعی دیگر از علما با همت و شجری مردم اسلحه بدست گرفته و مفاها در مقابل تهمه تجویز شده نوبین اروپاییین مقاومت نمودند. بعد از فوت پدر نیز کاشانی در رهبری مردم عراق در مبارزه با استعمار به شهنه داشت. وی در انقلاب عراق بعنوان عضو هیئت عالی دینی انقلاب و یکی از چهار عضو کمیته عالی

هنگام به حساب می‌آید. نقش بارز مرحوم کاشانی در شکست استعمار به حدی بود که انگلیسها پس از اشغال عراق به تعقیب وی بر آمده و حکم دستگیری و اعتدال را در عراق صادر کردند. به همین دلیل آیت الله کاشانی در سال ۱۳۲۸ از راه پشتکوه و لرستان به ایران هجرت نمود. اما هنوز چندی از هرجوحدان او به وطن نگذاشته بود که حکومت دست نشاندگی وی را به بهانه هی واهی مدت ۲۸ ماه در اردرگاه انگلیسها در اراک و کرمانشاه حبس نمود و پس از آزادی نیز دوباره بدستور قوام السلطنه بمدت اسال در زندان بهجت آباد قزوین در حبس و تبعید نگه داشته شد و آخرین بار نیز در زمان دولت محمد ساعد در سال ۱۳۲۷ ری را به وضع نوهین آمیزی دستگیر و به لبنان تبعید کردند. بعد از ۹ سال تبعید در لندن در زمان سقوط کابینه ساند و ترور وزیر بوابینه فدائیان اسلام - آیت الله کاشانی به وطن بازگشت و در تبعید اشکالات تهران همراه با اعضای جبهه ملی ادکتر همدانی - مکی - کرمانی - ... به نمایندگی دوره شانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب گردید. مجلس شانزدهم که مهمترین کارش تعیین تکلیف لایحه الحاقی نفت بود به سرکردگی دکتر

مصدق به استغای حقوق ملت به مبارزه پرداخت و آیت الله کاشانی نیز بدینال ان با اعلامیه های پی در پی خود و دعوت مردم به تظاهرات خیابانی و میتینگ های پیاپی مصدق را مورد حمایت قرار میداد. وی نقش بسیار مؤثری در واژد کردن نیروهای مذهبی و توده مردم مسلمان ایران به صحنه سیاست ایفا کرد و با حضور مداوم خود در صحنه سیاست و مبارزه با حکومت های دست نشانده انگلیس از قبیل قوام راه را برای حکومت مصدق هموار ساخت. بطوریکه پس از ترور رزمه آرا مصدق به نخست وزیری رسید و در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، لایحه ملی شدن نفت ایران و خلع پد استعمار به تصویب نهایی مجلس شورای ملی رسید.

بعد از ملی شدن صنعت نفت فعالیت وسیع استعمار خارجی برای سرنگونی دولت ملی آغاز شد که یکی از این فعالیتها به واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ منتهی شد. ماجرا بدین صورت بود که مصدق به علت عدم موافقت شاه با تقویض سنت وزارت جنگ به وی بطور ناگهانی استعفا داد و دوباره هم دستور انگلیس قوام السلطنه را به نخست وزیری رساند. در این هنگام مردم به رهبری آیت الله کاشانی در برابر حکومت قوام مقاومت کردند و با قیام خود در شهرهای بزرگ بویژه تهران در برابر نیروهای نظامی حکومت ایستادگی کردند که گروهی از آنان در روز ۲۰ تیر به شهادت رسیدند بدینال ان آیت الله کاشانی طی اعلامیه ای خطاب به حکومت اعلام نمود «هرگاه تا ۲۸ ساعت دیگر قوام استعفا ندهد من خود کفن می نوشم و پیشاپیش صفوف مردم مسلمان حکومت را سرنگون خواهیم کرده درست در ۲۰ ساعت بعد از این تهدید حکومت قوام سرنگون و بار دیگر مصدق با برخورداری از حمایت آیت الله کاشانی پشتیبانی مردم به حکومت رسید پس از اعاده مجدد قدرت به مصدق، متأسفانه نه تنها اقدامی بر علیه عاملین کشتار مردم انجام نداد بلکه دوباره آنها را در مسئولیتهای قبلیشان ایفاء کرد. در حالیکه مردم بشدت خواستار مجازات مزدوران رژیم شاه که در کشتار مردم دست داشتند بودند.

اختلاف بین کاشانی و مصدق و بهره

گیری استعمار

پس از تصویب لایحه ملی شدن نفت و پایان رسیدن مرحله شانزدهم مجلس، درباره بعضی از مسائل بویژه اجرای فرمانده منظور منحل ساختن مجلس هفدهم که به نظر آیت الله کاشانی و مرحوم پروچدی بدعتی نادرست بود و استوارترین سنگر ملت را در برابر بیگانگان در

ان شرایط از بین می برد، بین مرحوم کاشانی و مصدق اختلاف نظر بروز کرد. این اختلاف نظر از دردیاترین و.....

تاسف آورترین حوادث تاریخ معاصر است زیرا که استعمار و کارگزاران داخلی با استفاده از این اختلاف و باره ای از نقطه ضعفها که به علت عدم فاطمیت در دولت وجود داشت سعی در انداختن تفرقه بین رهبران نهضت و به انحراف کشاندن توده مسلمان نمودند. استعمار بخوبی میدانست که تا شیرازه منصب اوراق کتاب همبستگی مردم مسلمان ایران را بهم پیوند میدهد نهضت مردم ایران شکست خوردنی نیست به همین دلیل سبیل تهنیتها و ناسازها سوی آیت الله کاشانی از کانال های مختلف تبلیغاتی رواج یافت و از طرفی کارشکنیهای حزب توده و حملاتی که این حزب خان مخصوصاً به آیت الله کاشانی می کرد باعث آشفتگی اوضاع مسلکت شده بود و هر روز با تشکیل میتینگها و راهپیمایی هایی تهران و شهرهای بزرگ را به آشوب می کشید. کوبه سخن آنکه دشمنان دین و روحانیت برای بی اعتبار کردن خط مبارزه اسلام و روحانیت این استوارترین سنگر مقاومت، همه رسانه های گروهی و دستگاههای تبلیغاتی خود را بکار گرفته و سرانجام توانستند گروه بسیاری از مردم ساده دل را مودبانان در دامی که استعمار برایشان گسترده بود بيفکنند بدین ترتیب زمینه برای اجرای نقشه شوم کودتای ۲۸ مرداد موجود بود. دیگر مجلس هفدهم که سنگر محکمی برای مردم بشمار میرفت و گروه بسیاری از نمایندگان که در قیام ۳۰ تیر مردانه در برابر شاه و قوام ایستاده بودند از میان برداشته شده بود و سرلشکر زاهدی که در گذشته در مجلس بازداشت و همه رفتلو و کردارش دستور مرحوم کاشانی تحت نظر بود از قفس بیرون بسته بود و از شاه فرمان نخست وزیری گرفته بود و حزب توفه نیز آنچنان جو را مشتج ساخته بود که دیگر توان تفکر آزاد از مردم گرفته شده بود.

طلب همکاری آیت الله کاشانی از دکتر

مصدق

در چنین اوضاع پر آشوبی آیت الله کاشانی که همانند بسیاری از مردم مقدمات کودتا را به چشم میدید در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲ نامه ای به دکتر مصدق نوشت و در آن با لحن تلخ و شکوه آمیزی که از خاطر رنجیده اش حکایت میکرد حتی بودن کودتا را بدست زاهدی به عنوان اتمام حجت مطرح میکند و در پایان پیشنهاد مذاکره

برای ادامه مبارزه میدهد و برای نجات نهضت دست همکاری سوی مصدق دراز مینماید ولی متأسفانه دکتر مصدق با نوشتن یک جمله، این پیشنهاد همکاری را که سرنوشت ملتی و تاریخی را در برداشت رهن می کند، که قسمتی از نامه آیت الله کاشانی و جرایبه دکتر مصدق بدین مضمون می باشد.

حضرت، نخست وزیر معظم جناب آقای دکتر مصدق دام آقابه.

عرض میشود اگر چه امکاناتی برای عراضم نمائده ولی صلاح دین و ملت برای خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و بطریق غرض ورزی ها و بوق و کونای تبلیغات شما خودتان بهتر از هر کس میدانید که هم و غم من در نگهداری دولت جنابعالی است... حرف اینجناب را در خصوص اسرارم در عدم اجرای رفتارم شنیدید... و مجلس را که ترمس داشتید شما را ببرد بستند و حال نه مجلس هست و نه تکیه گاهی برای ملت گذاشته اند. زاهدی را که من با رحمت در مجلس تحت نظر و قابل کنترل نگاه داشته بودم با لطایف الحیل خارج کردند و حال همانطور که واضح بوده درصدد باصطلاح کودتا است.

اگر نقشه شما نیست که مانند ۳۰ تیر عقب نشینی کنید و بظاهر قهرمان زمان بناید همانطور که در آخرین ملاقاتم در ذراشب شما گفتم... امریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسها کمک کرد و حالا بصورت ملی و دنیا پسندی میخواید دست جنابعالی این ثروت را از جنگ ما بیرون آورد... اگر برآستی در این فکر اشتباه می کنم با اظهار تمایل شما سید مصطفی و ناصر خان قشقای را برای مذاکره خدمت میفرستم.»

«سید ابوالقاسم کاشانی»

باسخ مصدق به آیت الله کاشانی «مرفومه حضرت آقا بوسیله آقای حسن آقاسلمی زیارت شد اینجناب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم.»

والسلام «دکتر مصدق» اگر مصدق در اثر تلقینات بدخواهان و غریزندگان پیشنهاد همکاری آیت الله کاشانی را در روز ۲۷ مرداد با نوشتن آن جوابیه رد نمی کرد شاید تنها بخش یک پیام مشترک حتی در صبح روز بعد از کودتا کافی بود که این نقشه شوم را برای همیشه در نطفه خفه کند.

آیت الله کاشانی بالاخره پس از سالها مبارزه در ایران و عراق و زندگی پر از رنج و ملامت و ایثار در راه اسلام، در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۴۰ در گذشت. او در حالی دارقانی را وداع گفت که از مال دنیا جز یک منزل رهنی چیز دیگر نداشت، روحش نساد و راهش مستدام باد.

«والسلام»